

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر،

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

بیچ شنبه ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۵ تیر ماه جلالی ۸۲۹ و ۴ ژویه ۱۹۰۷ میلادی

محاكمة آصف الدوله وسالار مخنم

بارعابای قوچان سه دنیه بیستم جمادی الاولی
حضار همان اشخاصی که در مجالس سابق بودند
محتشم الساطنه امروز غایب بود - آقا سید کانلم
صفوت الساطنه که در جزء تماشا تایل بود اظهار کرد که من
در زمان حکومت آصف الدوله در حدود خراسان بودم و
بارة اطلاعات در خصوص اسراء دارم اگر اذن بدهید
عرض کنم - وزیر فرمود قدری تأمل کنید تا در موقع لزوم
سردار مخنم - من در سه فرسخی استرآباد بودم
برای کسب تکلیف تلگرافی با تابلک عین الدوله نمودم این
جوابیست بن دادند ملاحظه فرمائید .
وزیر نگاهدارید که سند شما است تا در موقع
قرائت شود

(قوچانیها وارد شده بامر وزیر روی صندلی نشستند)
وزیر - باید شروع کرد خوب (خطاب به زبردیوان)
اسم شما چیست - حسین - لقب - هژبر دیوان -
کجائی هستی - قوچانی - در خصوص اسراء باشقانو
چه اطلاع دارید - بنده با مدیر دیوان برای وصول
مالیات بشیروان رفته در آنجا بودیم و از آنجا تا اوبه
باشقانو تقریباً دوازده فرسخ است بعد از سه روز از
زمان غارت چند نفری از آنها يك نفر کشته خودشان را
آورده بودند در یکی از دهات آنجا در امام زاده دفن
کنند چون مباشر آنها ترد ما بود يك نفر آمد بمباشر اطلاع
بدهد ما پرسیدیم چرا دیر بحکومت اطلاع دادید گفتند روز
اول پنججاه سوار اوشخانه رسید رفتم شاید اسراء را بر
گردانیم از عقب آنها تا قدیش رفتم سوارهای اوشخانه عذر

آوردند که تفنگ و یراق درستی نداریم مایوس شده
بر برگشتیم اوقات خود را جمع کرده آوردیم در امامزاده دفن کنیم
- تا عصر آنروز قریب شصت نفر آمدند منزل ما آنها را فرستادیم
تذکره افخانه يك نفر هم فرستادیم او سخانه برای تحقیق
که سوار که بوده و از کجا آمده چون سه نفر هم از آنها کشته
شده بود گفتیم واریسی کنند که آنها ترکمن بودند یا
دیگری آدم ما رفته بود سر یکی را بریده بقوچان
فرستاده دونه دیگر را مانع شده بودند از کریمخان رئیس
سوارها پرسیده بود کریمخان گفته بود از قرار تحقیق
چهل نفر شاداو همراه آنها و بلد هم کد خدا حسن
بود شبانه آمده چاپیده برگشتند در قدیش دو نفر از اسراء
خود را از ترک ترکمانها انداخته فرار کرده بودند يك
ملا با برج الله مباشر آن دونه فرار کرده دستشان را بسته
بترکمان رد میکند - این همین است که بین زعفرانو و
شاداو همیشه عداوت بوده و این کار را عمداً کردند و
هم راهی نبودند تا ترکمان از تنه قدیش رد شده اند
این تحقیقاتیست که کریمخان پیغام داده بود -

وکیل التجار - کد خدا حسن را میشناسید ؟ - بلی
صفرقانی است - در کجاست ؟ - در قلعه موسوم باشخانه -
خانه کد خدا حسن تا قدیش چه قدر و تا محل غارت
چه قدر است - تا بجنورد شش فرسخ و تا محل غارت
نه فرسخ است
وزیر - کد خداعلی تو بگو از آن خانه تا محل شما
چند فرسخ است .
کد خدا علی - نه یا ده فرسخ است .
وزیر - کد خدا حسن با شما دشمنی داشت ؟ -
عداوت شخصی خیر آیا عداوت ایلی از زمان امین

حسین خان شجاع الدوله تا کنون باقی است .
آقا سید مهدی - شما هم از آن دوله که خواستند
فرار کنند آخوند و فرج الله آنها را گرفته بترکمان
رد کرده اند اطلاع دارید .

کد خدا علی - بلی قدیش یک طرفش کمرات
و آن طرف دروازه که سوار باید از آنجا ناحیبا طرف
شود زنها آنجا خودرا انداخته اند اصغر و وکیل مرکان
همانجا خراسته اند سوارها را مانع شوند آخوند و فرج الله
و دیگران میگویند ما از سالار میترسیم لذا دوله زن را
گرفته رد میکنند اصغر و وکیل را هم مانع میشوند .

صفوة السلطنه - اذن بدهید چند کلمه عرض کنم
وزیر - اطلاعات خود را بگوئید

صفوة السلطنه - در سرحد قوچان چند طایفه ایل
است اینها میگویند ترکمان ما را اذیت نکند هر کار میجو هر بکند
اسامی محل آنها از این قرار است . . . قدیش . راز
مشهدی غلامان . خرتوت . رئیس قدیش فرج الله واحد
العین است رئیس مشهدی غلامان سید حسین اعرج رئیس
راز نایب اسدالله سلطان که سی سوار دارد رئیس خرتوت
چلاق سردار ترکمان . حد تمام ترکمان از قدیش
سرازیر میشود بدرة راز بیکطرفش معروف بجلگه
جلگه کلان که جنگل و چمن زار است ترکمان نخوری و
سالار مخم و سید حسین و نایب اسد الله همه اینجا
میآیند علف زار میدهند - بیکطرف دیگر جلگه معروف
بقر و سید حسین اینجا سی کوره ذغال دارد متصل
جنگل را خراب کرده ذغال نموده حمل مشق آباد میکند
شبیخی و سائلق از دوچی اند واسطه اینکه تنک سینه دارند
باید چند روز جاو آمده منزل کنند تا سوار برسد پیش
سوار که بانها رسید هر یکی از رؤساء فوق بهانه کرده
بیکطرفی میروند که اگر در وقت برگشتن سوار صاحبان
اسراء مدد بخواهند بگویند رؤسا نیستند منصور باغی جای
آذوقه ترکمن بودند خود بنده شهاد میدهم که اگر
میل رؤسا نباشد ترکمان نمی تواند دست درازی بان
حدود بنماید چنانکه زمانیکه من خودم در اینجا بودم ترکمان
وارد دره راز شد کاههای آنها با کاههای رازی مخلوط
شد اسد الله سلطان رفت جاو گرفت مجبور شدند آمده
کاهها را جدا کرده در همان وقت غارت بنده باده سوار
کمرک ترکمان را دنبال کردیم با ما در رسیدیم
برادر تلی اکبر سلطان بارزبها جلو ما آمده مانع شدند
تا ترکمن رد شد آصف الدوله ابداً در اینجا حکمی
نمی تواند بکند .

(امیر اعظم اینجا وارد شد)

آقا میرزا محمود - شما سه نفر (هزبر دیوان

مدیر دیوان صفوة السلطنه چه عقیده خودتان در این
خصوص دارید و محرک را که میدانید صفوة السلطنه -
بنده محرک را نمیشناسم اما در زمان ریاست خودم مکرر
بسالار مخم عرض کردم که اسدالله سلطان با ترکمان ایل
ورفیق است همچنین سید حسین برای اینجا مثل حاج سبز
علیخان آدمی لازم است که با ترکمن دشمن و باغی باشد
ولی آنها را عرض نکرد خودتان ببینید تقصیر با کیست
مدیر دیوان - آنچه شنیدنی بود همان است که هزبر

دیوان عرض کرد اما آنچه را که ما بقل حاضر خود
میفهمیم این است که در انوقت حکومت کولان با سالار مخم
بود یموت هم اول باید از کولان عبور کرده بعد از آن
از قلعه جات که صفوة السلطنه عرض کردند گذشته بخاک
قوچان بیاید راه دیگری نیست لابد بی اطلاع و بدایت
انها نبوده است بعلم اینکه مدازان تاریخ دولت است حکام
تازه و تهیه جدیدی اینجا فراهم نکرده همان سوار هاست
که بودند با وجود این ابداً ترکمن نتوانسته ذرة غارت
از اینجا ببرد حتی در زمان حکومت میرزا ابوالقاسم خان که
مستوفی و میرزا بود اصلاً اتفاقی نباشد کاهنیم تازه
قوام الحکما نوشته است که ترکمن آمد اما یک نرساله
نتوانست ببرد .

هزبر دیوان - تارای رؤسای سرحد نباشد عبور
ترکمن ممکن نیست سالار مخم تلگرافی رشید نظام را که
آروز عرض کردم تحصیل کرده آورده ام اینهم بعضی
تلگرافات دیگر است این هم ورهه عرض حال خودم
ملاحظه بفرمائید

وزیر - بسیار خوب بگیری در دوسیه بگذارید تا
موقش قرائت شود . (بحکم وزیر تلگرافی گرفته و
در دوسیه گذارد شد) میرزا محمود - شما آروز
گفتیدم تلگرافی و اسناد در این جا دارم خوب این تلگرافات
از کجا پیدا شد .

سالار - تلگرافی رشید نظام را از تلگرافخانه گرفته
ما بقی را هم در بین نوشتجات خود پیدا نمودم
وزیر - آصف الدوله بشما کفتم اسناد خود را با
لایحه عرض حال نوشته بدهید حضرات یا خیر .

آصف الدوله - بلی این لایحه اینهم اسناد (اینها
نیز در دوسیه گذارده شد) در این جا حسب الامر وزیر
مذاکرات مجلس قبل را نصف مجدداً اسلام نصف بنده
قرائت نمودیم فقط اشتباهی که بود در قول سردار مخم
بود که نوشته شده عکس اردورا برداشتم صواب اینست
عکس مقبول را برداشتم

میرزا محمود - استنطاق رشید نظام باقی است
اورا حاضر کنند تا مجدد استنطاق شود

وزیر چه مطلبی از او میخواهید برسید .

میرزا محمود دو مطلب یکی آنکه گفت سالار اول پنجهزار و بعد ده هزار تومان میداد خوب بفهمیم چه شد . دوم آنکه سالار گفت دو نفر ترکمان همراه رشید نظام بخانه من آمدند بفرسبیم رشید نظام اسرار برای چه آورده بود .

(تلگرافی رشید نظام قرائت شد)

(که عینا نوشته میشود)

(از بجنورد بطهران)

بوسیله جناب وزیر نظام سردار کل حضور مبارک حضرت والا اتانیک اعظم روحنا فداه چاکر جان شاز از شاهرود میان بموت رفته تمام سرکرده های بموت را که بناخت رفته بودند دیده و از خارج هم تحقیقات کامل نمود خود آنها اقرار کرده اند مابین صد و پنجاه سوار بودیم از کر کلان و غیره کسی ما نبود از اول خاك آروس و آخر خاك شادلو که مشهور بکرسه داغی و کیری است رفته از قلعه جات قوش خانه غصه زعفران بو گذشته میان رفرا میرآباد خنجر قلعه قاضی شاه تپه ابن خان باکل شیخی علیا و فلا در جنب قلعه چنک، سیاه چادر ها را غارت چهل دو نفر اسیر برده از همان راه مراجعت نمودیم بغیر از اسیر چیزی بغارت نبردیم و خود چاکر در او بموت های داغی بود و یک نفر سوار که در میان الامان بود همراه بر داشته آمده راهی که الامان رفته و برگردیده بود ملاحظه کرده مراجعت نموده به بجنورد آمدم و سالار مخم را ملاقات کردم در تمام اوامر و فرمایشات حضرت والا روحنا فداه حاضر عرض میکند من نو کرم مطیع مال جانی و اختیاری ندارم آنچه مر والا است اطاعت دارم و البوم که بیست و یکم شهر حال است صاحبان اسرا در منزل چاکر حاضر و رئیس تلگرافخانه نیز حضور داشت اقرار نمودند که از ما بجز از چهل و دو نفر اسیر مالی بغارت نرفته این است که چاکر در دولت خواهی این طور صلاح کار را دیده جسارت ورزید که یک هزار تومان سر کرده های شادلو و یک هزار تومان سر کرده گان زعفرانلو بدهند بصاحبان اسراء داده شود بیرون اسرای خود را بخرند همین تفصیل را یوم شانزدهم شهر حال بایالت خراسان آصف الدوله عرض نمودم جواب نرسید حالا امر والا هر طور مقرر فرمایند اطاعت شود عرض دیگر چاکر بگو کلان رفته توشب در او به قلیچ اشان مانده تمام خواین ورؤسارا دیده قرار مالیات اسرا داده خاطر مبارک والا از انطرف آسوده باعدانشاء الله بعد از انجام و اتمام عمل اسرا بگو کلان میرود (رشید نظام) (بقیه دارد)

(رفع اشتباه)

خدمت مدیر روزنامه غراء صور اسرا بیل با کمال احترام عرض میکنم مندرجات روزنامه باید از قلم حقیقت نوشته شده و از شائبه خیالی و سهمت مبری باشد و گرنه قلم در دست گرفتن و بهر کس تاخن و بدون حجت این و آنرا مقصر کردن گویا خارج از شیوه اعتدال و استقامت باشد — ما روزنامه نویسان حرفمان چیست و چه ادعائی داریم ؟ ما میگوئیم چراوند مصلح اخلاق و عادات است چراوند آینه حقیقت نما است چراوند حق را حق گوید و باطل را باطل چراوند هادی نوادی تمدن و انسانیت و راهنمای منزل عزت و سعادت است

در اینصورت ابدأ جایز نیست مسئله را بدون تحقیق و رسیدگی کامل بمجرد قول و سلان بازاری یا بهمان راه گذر در صفحات روزنامه درج کرد و شرف محترمین را بر باد داد روزنامه اگر در حق بد کردار سکوت کند چندان مورد ملامت و شماتت نیست لکن اگر در ماده اشخاص نیک خواه درست کار نسنجیده بد بنویسد مطابق قوانین تمام دنیا مقصر است و از روش صحت خارج شده است

حال در ایران مجازات و محکمه صحیح نیست نباشد لکن ما باید همواره در وقت گذاردن قلم بر کاغذ چنان تصور کنیم که محکمه حاضر و کلمات ما را یک یک ناظر است روزنامه نویس که هوا خواه قانون خود را جلو میدهد باید قدمی از حدود قانون تجاوز نکند و کلمه را که از اثبات آن عاجز است بغرور هرج و مرج ننویسد تا در نزد عقلاء و وجدان غرور مقصر نگردد

در نمره پنج شرحی راجع بجناب حجة الاسلام آقای آقا سید علی یزدی مرقوم فرموده اند که علم الله همه برخلاف واقع و خیلی دور از مقام منبع آن فاضل بزرگوار است این بزرگوار جدا هوا خواه مشروطیت و طالب امنیت و عدالت است و میتوان گفت بعد از حجة الاسلام آقای آقا سید عبد الله و آقای آقا سید محمد ایشان بیش از همه علماء در همراهی این اساس مقدس حاضر و مجاهدند

بر شما لازم است که از این تهمت توبه و استغفار کنید و دامن عصمت چنین بزرگوار را آلوده باین قسم تهمتها ننمائید و بعدها نیز خود را از لغزش قلم محافظت کنید که مقام روزنامه نویسی خیلی مقام بلندی است و شغل مقدسی است

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(سه شنبه ۲۰ شهر جمادی الاولی)

دستور العمل حکام که از نظامنامه وزارت دانسته تجزیه

کرده بودند چند فصل از آن را قرائت و مذاکرات لازمه کردند تلگرافی از زنجان به مجلس مخابره شده بود قرائت شد که حاج شیخ فضل اله از حضرت عبدالعظیم

پاخواند ملاقر باملی باین مضمون تلگرافی کردند فصل دائر بحفظ قوانین اسلام مردود مکنونات حواطر مشکوف عموم متحیر اساس دین متزلزل اغلب علماء مهاجرت بحضرت عبدالعظیم. وقع اقدامات لازمه است این تلگرافی را آخواند بدست برادرزاده اش داده آمد در مدرسه اجماع کرده قرائت کردند و درصدد مفسده و اغشاش هستند اگر دولت بخواد جاوگیری نکند مفسده و فتنه خنطیمی خواهد شد

بعضی گفتند تلگرافخانه چرا اینگونه تلگرافات عورش انگیز را مخابره میکند که موجب قتل نفوس بشود جواب داده شد که تلگرافخانه کبیش اینست و آزاد است بر دولت است که جاوگیری کند گفته شد تقصیر تلگرافخانه در ترد این تقصیر در مرتبه صدم و اتمت آنچه باید مذاکره و گفت شود در رفع و دفع این ماده گفته شود هر یک از وکلاء بیاناتی در دفع و رفع و قاع این ماده فساد نمودند بعضی نفی علم از چنین علم نمودند جمعی هوا پرست و مخدع امر مولا خوانند برخی مفتن و ^۱ مفسد و واجب القتل و منفی البلد و غیر ذلک گفتند برخی مخرب اساس شریعت و بر باد دهنده ملک و ملت و دولتش دانستند بالاخره قرار بر این شد که مجلس بوزارت دلخواه بنویسد که حتما باید دفع این فساد واقع این ماده عنادرا بنماید اگر اقدامات لازمه در اینباب ننمایند ملت بتکلیف خود عمل خواهد کرد

و وکلاء ولایات هم هر یک سوء نیت و قبیح حرکات شیخ را بولایات خود شان بواسطه تاخراتی اغلام نمایند (مجلس ختم شد)

(تلگرافات خارجه)

از لندن ۲۰ ژون در مجلس ملی انکس از معاون وزارت خارجه استفسار شد که از قرار مذکور در نواحی بغداد بعضی حقوق تجارتی به تجار آلمانی علاوه بر حقوق تبعه انکس داده میشود آیا اصل دارد یا جواب دادند که هنوز معلوم نیست ولی هر آینه معلوم تحقیقات و اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد

سلطان سیام که درباریس بودند باریات جمهوری دید و بازدید رسمانه فرمودند و نشان ممتاز ماهاجری از طرف سلطان معظم له داده شد بنا بود چهار مفصلی بانخسار سلطان در عمارت ریاست داده شود بواسطه اتفاقات تا کوار جنوبی گرانه این جشن ضیافت بتاخیر

افتاد آتش غائله جنوب فرانسه هنوز مشتعل است در منت پلپه هیجان بجائی رسید که اجماع بزم آتش زدن دیوان عدالت حرکت نموده دستجات ژاندارم را استکباران نموده و بده کتیری از آنها جراحت سخت وارد آوردند قشون کالی فوراً احضار و مردم را متفرق نمود در نثار بون نیز اهالی سوارهای دولتی را باصنادی ها و هر چه بدستان می آمد میزدند بنحویکه دسته سوار مغلوب و مجبور بقطب لشتن موقتی گردیدند

شورش و هیجان غریبی در لیژن بر خلاف صدراعظم دولت پرتگال دایر و هر روز واقعه جدیدی دست میدهد امروز عده کتیری از محرکین هیجان گرفتار و محبوس گردیدند ولی چون ممیزهای مخصوصه از طرف دولت بر تصحیح مطبوعات کماشته شده تفصیل وقایع مشروحا معلوم نشده است

انجمن رؤسای و کاران کلیه تسلیم ماورین دولت شدند مگر فقط آلبر معروفی

(وقایع نیکار انزلی مینکارد)

داروغه جدید انزلی متهم به ... بازی شده با یک نفر لطف الله نام آوازه خوان مع رقایش این حضرات در بالا خانه داروغه جدید مشغول بودند رجل الغیب حضرات را با زنها گرفتار و کشان کشان بانجمن آورده اند حکمه غریبی بود چون لطف الله آوازه خوان در لباس آخواند بوده است صلاح این طور دیدند او را ترد اهل علم برده استنطاق نمود .

سه نفر از فدائیان در یکی از خیابان گرفتار و متهم به ... خوردن گردیده بانجمن آورده اند یکی از آنها چون خیلی بدگویی میکرد بدان جهت هر سه نفر محبوس و دیروز بی استنطاق حاضر نموده بودند تماشاچیان در حیاط انجمن بر بودند هر فدائی که یا را از جاده طریقت و شریعت و نظام خارج بگذارد تنبیه علاوه از عرقه معروفی خارج میشود دسته هم تازه پیدا شده اند و نام خود را ثبت دفتر فدائیان نموده اند ولی راپورت چی حضرت اجل یا حضرت اشرفی شناخته شده اند و مطابق مهبده شد آنها را دارند خارج میکنند این کلاه دوزی ها باید بخریج نمیرود (ابوذر)

(اخطار)

روزنامه حبل المتین فردا که جمعه است طبع خواهد شد مشترکین مسبق باشند

حسن الحسینی الکاشانی